

کی فکرش را می کرد؟

تغییر راهبردهای یاددهی یادگیری

از ۱۵ به ۳۳۰ تکنیک بانگاه آینده پژوهانه

همه چیز، از جمله روش های تدریس و راهبردهای یاددهی یادگیری برگرفته از همین روش ها، در شرف تغییرند. در سال ۱۳۷۰، یعنی اندکی بعد از دهمین سال ورود به آموزش و پرورش که از دولتی سر آموزش های همان استادان، ابتدا در مقام مسئول دوره ی آموزشی و سپس به عنوان معاون آموزشی، به اداره فرا خوانده شده بودم، در مطالعه ی گزارشی پژوهشی، متوجه شدم تعداد راهبردهای یاددهی یادگیری به بیش از ۱۰۰ مورد رسیده است و این در حالی بود که از ابتدای دهه ی ۱۳۸۰، تعداد این راهبردها به ۳۰۰ و اکنون به ۳۳۰ مورد افزایش پیدا کرده است، یعنی لااقل ۳۳۰ طرح و راهکار برای ارائه ی درس به دانش آموزان پدید آمده و به طور قطع بعد از دوران کرونا، با توجه به توسعه ی آموزش های مجازی، این تعداد به بیش از این نیز خواهد رسید. بی شک پشت پرده ی این اتفاق ها مسیر آینده پژوهی گسترده ای گشوده شده و اندیشمندان در صددند که راه های جدیدتر تدریس به دانش آموزان را شناسایی و ارائه کنند. همه ی این روش های جدید، در مقایسه با ۱۵ روش زمان دانشجویی ما که قرار بود با آن ها معلم ابرقهرمان شویم، در پاسخ به این سؤال پدید آمده است: **آیا روش هایی که ما به کار می بریم، آن چنان تأثیر گذارند که همه ی دانش آموزان بتوانند همه ی درس های ما را یاد بگیرند؟** به عبارت دیگر، اینکه بگوییم دانش آموزان نمی توانند یاد بگیرند، فقط در مورد حداکثر ۲/۵ درصد آنان که آموزش ناپذیرند، مصداق دارد. بنابراین، باید گزاره ی خودمان را با طرح سؤال بالا عوض کنیم.

این ۳۳۰ راهبردی که حدود ۷۰ مورد آن ها مختص دوره های پیش دبستان و ابتدایی هستند، می توانند یاریگر ما در آموزش کودکان باشند. تأکید بر روش های قدیمی که البته بسیاری از آن ها کامکان اثربخش اند، سنگ یادنگرفتن را گردن دانش آموزان خواهد انداخت و آن ها مقصران عرصه ی یادنگرفتن خواهند بود.

معلم بودم، در درس های فن معلمی و کارورزی، استادانی داشتیم که به تمام معنا در تربیت معلم ها خبره بودند. این استادان و در رأس آن ها استاد زنده یاد سهیلی که کلاس هایش را به شیوه ی کارگاه های میکروتیچینگ (تقسیم تدریس به قطعه های کوچک) اداره می کرد، در پایان دوره به ما گفتند وقتی به مدرسه رفتید، اگر با این ۱۵ روش تدریس کنید که به شما یاد دادیم، در مدت کوتاهی به معلمی خبره تبدیل می شوید که مدیران برای نگهداشتن شما سرودست خواهند شکست. در عمل این گونه شد و به غیر از معدودی از هم کلاسی هایمان که روش معلمان غیرخلاق را برگزیدند، بقیه درخشیدند. این استادان بزرگوار، بر اساس روشی که از سال ۱۳۴۴ در پیش گرفته بودند، فکر نمی کردند



مرتضی مجدفر
پژوهشگر مسائل آموزشی

از عرش به فرش

از اول بنا نداشتیم در سلسله مطالب آینده پژوهی در عرش بمانیم، بلکه قصدمان این بود که با مثال هایی از حیات روزمره ی آموزگاران و مدیران مدرسه ها، تا حد ممکن این مطالب را به شکلی پذیرفتنی ارائه دهیم؛ ولی ذکر برخی نکته های علمی و تاریخیچه ای درباره ی آینده پژوهی ضروری است. در این شماره، این قبیل مطالب را در ستونی جداگانه، در صفحه ی روبه رو، می خوانید.

فقط در طول چهل سال

چهل سال پیش که دانشجوی تربیت



عکاس: اعظم لاریجانی

تمرین ۱

با جست‌وجو در منابع و سایت‌های معتبر، کتاب‌هایی را به دست آورید که در زمینه‌ی روش‌های یاددهی‌یادگیری حرف نویی برای گفتن دارند. بدیهی است همه‌ی منابع جهانی را، قبل از ۱۵۰۲، در این زمینه باید کنار بگذارید و در مورد آثار فارسی هم با احتیاط بیشتری روبرو شوید. برخی از منابع شناخته‌شده‌ی فارسی تدریس، به دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی مربوط هستند و برخی از آن‌ها هم که بعد از سال ۲۰۰۰ چاپ شده‌اند، حرفی برای گفتن ندارند.

حال با آینده‌پژوهی چند راهبرد یاددهی‌یادگیری ابداع کنید که در فهرست در دسترس شما نیست و مناسب اوضاعی است که دانش‌آموزان در مدرسه حضور ندارند (تدریس از راه دور). این به معنای آن نیست که روش تدریس ابداعی شما، وجود خارجی ندارد، بلکه ممکن است شما چیزی درباره‌ی آن ندانید.

تمرین ۲

مارشال مک لوهان آینده‌پژوهی بود که در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی، در حالی که هنوز رایانه‌های خانگی به وجود نیامده بودند و خبری از اینترنت نبود، اصطلاح «جهان: پیش به‌سوی دهکده‌ی جهانی» را به کار برد. منظور او به‌طور ساده این بود که در آینده‌ی نزدیک، کل دنیا مثل دهکده‌ی خواهد شد که اگر خروس یکی از همسایه‌ها قوقولی‌قوقو کند، در کمتر از چند ثانیه، همه صدای این خروس را خواهند شنید و اگر اراده کنند، از پنجره‌ی خانه‌ی خود، این خروس را خواهند دید. آن موقع خیلی‌ها به اندیشه‌ی مک لوهان خندیدند، ولی پیش‌بینی او در کمتر از ۲۰ سال بعد عملی شد.

● با جست‌وجو، کتاب یا مقاله‌هایی را از مک لوهان به دست آورید و بخوانید.
● در مقام معلمی آینده‌پژوه، فکر می‌کنید کلاس‌های درس در ۱۰ سال آینده چگونه خواهند بود.



برای ثبت در تاریخ

تاریخچه‌ی آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی در مقام فعالیتی عمومی از دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی آغاز شد. **برتراند دوژوئل** نخستین پژوهش نظری در مورد آینده را به نام «هنر گمان» نوشت. او گفت: «هیچ واقعیتی در مورد آینده وجود ندارد» و نتیجه گرفت که یافتن مدرک‌ها و بهره‌وری‌هایی برای آینده، نیازمند روش‌هایی غیرمتداول است. هوشیاری نسبت به آینده نقطه‌ی عطفی برای آغاز آینده‌پژوهی است. **هاریسون براون**، در کتاب خود به نام **چالش پیش روی آینده‌ی بشر**، در ۱۹۵۴ بسیاری از مسائل بوم‌شناسی و مسائل مربوط به توسعه را که انسان در حال حاضر با آن روبروست، پیش‌بینی کرد. **راشل کارسون** با نوشتن کتاب «بهار خاموش» در ۱۹۶۲، با تصویر کردن دنیایی بدون سینه‌سرخ (نوعی پرنده)، آغازگر جنبش زیست‌محیطی بود. واکاوی مسائل مربوط به آینده‌ی جمعیت بشر نیز در کتاب «مبم جمعیت» اثر **پاول ارلیش** صورت پذیرفت. انتشار این آثار و پیش‌بینی فروپاشی جامعه‌ی صنعتی، دنیای آن زمان را دچار شوک روحی کرد. بعدها، رویدادهایی نظیر ترور برادران کندی و مارتین لوتر کینگ، جنگ ویتنام، بحران نفتی و رسوایی واترگیت نشان داد آینده‌پژوهان در پیش‌بینی این موضوع درست عمل کرده‌اند.

آینده‌پژوهان مثبت‌اندیش نیز در دهه ۱۹۶۰ به‌سختی مشغول بودند. **دانیل بل**، جامعه‌شناس، برای نخستین بار اصطلاح «جامعه‌ی فراصنعتی» را در کتابی به همین نام به کار برد. بل سرآغاز تعداد زیادی از آینده‌پژوهان نظیر **مارشال مک لوهان** و **آلوی تافلر** بود که آینده‌ی پیش‌بینی‌شده‌ی آن‌ها کمی دیر محقق شد، ولی دنیا دیدارگر تحولات بنیادین در زمینه‌ی ارتباطات و کسب‌وکار، از طریق ظهور رایانه‌های شخصی، در دهه‌ی ۱۹۸۰ و ظهور اینترنت در دهه‌ی ۱۹۹۰ بود.

در دهه‌ی ۱۹۶۰، آینده‌پژوهی به‌عنوان یکی از رشته‌های نوین پایه‌ریزی شد. نخستین دوره‌ی آموزشی را **جیم دیتور** در ۱۹۶۳ در بنیاد پلی‌تکنیک ویرجینیا تدریس کرد. پس از آن، **وندل بل** مجموعه‌ی دوره‌های آموزشی خود را در دانشگاه ییل آغاز کرد. پس از انتقال **دیتور** به گروه علوم سیاسی دانشگاه هاوایی، وی دوره‌های متمرکزی در آن دانشگاه برای دانشجویان دوره‌های فوق‌لیسانس و دکترا ایجاد کرد.

در ۱۹۷۴، **جیب فاولز و کریس دید** نخستین دوره‌ی تخصصی فوق‌لیسانس را در دانشگاه هوستون برپا کردند. بعدها مشابه این دوره در دانشگاه‌های ماساچوست، آکرون، مینه‌سوتا، یواس‌سی و دانشگاه ایالتی پورتلند نیز دایر شدند. هم‌اکنون به‌جز دانشگاه‌های هاوایی و هوستون، بقیه‌ی دوره‌ها تعطیل شده‌اند. دو سازمان پراعتبار یعنی «انجمن آینده‌ی دنیا و فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی» به‌ترتیب در ۱۹۶۷ در آمریکا و ۱۹۷۳ در پاریس تأسیس شدند. انتشار مجله‌ی «آینده‌پژوه» کار انجمن آینده‌ی جهان است.